

## یک ماه مهلت برای قاتل ملدروپسر

**اخبار** | **گروه حوادث/**مرد جوان که به اتهام قتل مادر و پسر جوانش در یک قذمی چوبه دار قرار داشت، با مهلت یک ماهه اولیای دم به زندگی برگشت.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، بامداد ۲۷ اسفند سال ۹۴، جسد زنی ۴۹ ساله که مدیر یک شرکت خدماتی بود، در محل کارش کشف شد. با اعلام این موضوع به تیم جنایی تحقیقات آغاز و بررسی ها نشان می‌د زن جوان با چاقو زخمی و دستمالی نیز دور گردن او پیچیده شده است. بررسی ها نشان می‌داد که زن میانسال دو روز قبل به قتل رسیده است. تیم جنایی در بررسی های تخصصی اطمینان پیدا کرد که قتل از طرف فردی آش‌نخ داده است.

در شاخه دیگری از تحقیقات، شوهر سابق مقتول به‌نام مریم به تیم جنایی گفت: نمی‌دانم چه کسی مریم را کشته است اما مدتی قبل هم پسرمان میلاد درحالی که ۳۵۰ میلیون تومان پول همراه داشت، با مردی به‌نام بهروز راهی شهرستان یوکان شد و دیگر به خانه بازنگشت ما هم برای یافتن او از پلیس درخواست کمک کرده بودیم اما نه تنها خبری از او نشد بلکه حالا مریم هم کشته شده‌است. کارآگاهان در تحقیقات بیشتر دریافتند بهروز را کارگران شرکت خدماتی مریم است بنابراین به سراغ بهروز ۳۷ ساله رفتند اما وی متواری شده بود تا اینکه بعد از چند ماه او را دستگیر کردند و در تحقیق و بازجویی، کارآگاهان دریافتند وی قاتل مریم است. بهروز در بازجویی‌ها گفت: من هفت سال قبل در این شرکت مشغول کار شدم. کم کم خودم را به مریم نزدیک و اطمینان او را جلب کردم. از آنجا که پسر مریم معتاد بود، سال قبل به‌صورت غیرقانونی از کشور خارج شد. آن شب به دعوت مریم به شرکت رفتم. اما وقتی به او پیشنهاد ارتباط نامشروع دادم عصبانی شد و می‌خواست مرا بیرون کند که با چاقو دو ضربه به او زدم و بعد دستمالی به دور گردنش پیچیدم که کشته شد. بعد از قتل هم مقداری پول از شرکت سرقت کردم و به شهرستان گریختم.

در ادامه بررسی‌ها کار آگاهان جنایی با این فرضیه که ممکن است وی از ناپدید شدن میلاد خبر داشته باشد تحقیقات از او را ادامه دادند چرا که بهروز آخرین فردی بود که میلاد را زنده دیده بود و از طرفی هیچ رد و نشانی از پسر جوان در دسترس نبود.

بهروز زمانی که در مقابل مدارک پلیسی قرار گرفت به ناچار به قتل دوم نیز اعتراف کرد و گفت: بهمین سال قبل بود که میلاد با چند نفر از کارگران خدماتی داخل شرکت در گیر شد. یکی از آن کارگران علیه میلاد شکایت کرد و حکم جلبش را گرفت. میلاد هم از ترس فرار کرد و به پیشنهاد من راهی یوکان شد. او گفت می‌خواهد به‌صورت غیرقانونی از کشور خارج شود و من داشتم شرایط آن را بررسی می‌کردم. او ادامه داد: یک شب میلاد داشت داخل حیاط خانه ما سیگاری کشید. من هم در راه پله با تلفن همراهم حرف می‌زدم. البته میلاد متوجه حضور من نبود. همان لحظه دختر ۱۵ ساله‌ام داشت کیسه زباله را به کوچه می‌برد که میلاد به او نگاه کرد. رفتار او سبب شد که تصمیم به انتقام بگیرم. صبح روز بعد او را به بهانه شکار به دشت‌های حوالی شهرستان سقز بردم. در محل خلوتی ناگهان اسلحه کشیدم و او را با شلیک گلوله به سرش به قتل رساندم. جسد را رها کردم و از محل دور شدم. اسلحه را داخل رودخانه انداختم و راهی خانه شدم. چند روز بعد هم به تهران آمدم و به مادر میلاد گفتم که پسرش را به‌صورت قاچاق راهی عراق کردم. با اعتراف من هم به جنایت دوم و تکمیل تحقیقات، او مدتی بعد پای میز محاکمه رفت و به دیوار قصاص محکوم شد. با تأیید حکم قرار بود چهارشنبه گذشته مرد جوان پای چوبه دار برود. اما با تاش واحد صلح و سازش دادسرای امور جنایی تهران یک روز قبل از اجرای حکم موفق شد از خانواده اولیای دم یک ماه مهلت بگیرد.

### واژگونی مرگبار خودرو پلیس



**گروه حوادث/** واژگونی خودرو نیروی انتظامی در شهرستان رودبار کرمان باعث شهادت ۲ مأمور پلیس شد. محمود قاضی، فرماندار شهرستان رودبار جنوب در تشریح این ماجرا به باشگاه خبرنگاران گفت: شامگاه سه‌شنبه یک تیم پلیس در حال برگشت از مأموریت در سطح شهرستان بود که دچار سانحه شد. البته علت حادثه هنوز اعلام نشده است.

رئیس شورای تأمین رودبار جنوب افزود: دراین سانحه، امین رحیمی و حجت صداقت از مأموران خدم‌ نیروی انتظامی به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و مأمور دیگر به‌نام علیرضا امیری در بیمارستان رودبار جنوب تحت درمان قرار گرفت و علی حاتمی نیز به بیمارستان کهنوج اعزام شده است.

### مرگ زن تنها در خانه سوخته

**گروه حوادث/** همزمان با کشف جسد زنی سالخورده در خانه‌ای قدیمی که آتش گرفته بود تحقیقات برای یافتن علت این حادثه آغاز شد.

سیدجلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران درباره جزئیات این حادثه گفت: ساعت ۲۳ و ۸ دقیقه سه‌شنبه یک مورد آتش‌سوزی و مشاهده دود در خانه‌ای قدیمی به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد که بلافاصله ایستگاه شماره دو به محل آتش‌سوزی واقع در خیابان ظهیرالاسلام، خیابان مصباح اعزام شد. وی ادامه داد: طبق گفته همسایه‌ها مشخص شد خانم مسن و تنهایی چندین سال است که در این خانه زندگی می‌کند. بنابراین آتش‌نشنان بلافاصله عملیات را آغاز کردند و وارد این ساختمان دوطبقه قدیمی‌ساز شدند. در طبقه اول این ساختمان که به شلوغی یک انبار بود، آتش شعله‌ور شده بود و دود زیادی در محل وجود داشت. آتش‌نشنان در ادامه عملیات، جسد زن سالخورده را پیدا کرده و به عوامل اورژانس تحویل دادند. از آنجا که آثار سوختگی روی بدن این زن وجود نداشت این احتمال مطرح شد که بر اثر استنشاق دود جان خود را از دست داده باشد با این حال تحقیقات برای شناسایی علت مرگ و همچنین آتش‌سوزی آغاز شده است.

### برخورد قاطع پلیس

#### با کلاهبردان فروش داروی کرونا

**گروه حوادث/** افرادی که در فضای مجازی اقدام به شایعه پراکنی یا تبلیغ فروش داروی مقابله با کرونا کنند، توسط پلیس شناسایی و دستگیر می‌شوند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سرهنگ رامین پاشایی معاون اجتماعی پلیس فتا با بیان این مطلب گفت: با توجه به اینکه هم سازمان بهداشت جهانی و هم وزارت بهداشت کشور بر این نکته تأکید داشته‌اند که داروی مشخصی برای کرونا ویروس جدید وجود ندارد، اما برخی با سوءاستفاده از احساسات مردم اقدام به کلاهبرداری و شایعه پراکنی می‌کنند از سوی پلیس فتا شناسایی و با آنها برخورد خواهد شد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: آخرین اخبار درباره ویروس کرونا باید توسط قوه توسط وزارت بهداشت اعلام شود و شهروندان به اخبار غیرموقوت توجه نکنند.

# راز سرقت وکیل قلابی در اداره آگاهی فاش شد

**گروه حوادث/** آشپز خلاقکار که خود را وکیل دادگستری جازده بود به اتهام سرقت پول و

طلاهای یک زن دستگیر شد.

به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، چندی قبل زن میانسالی پیش پلیس رفت و از سرقت پول و طلاهایش خبر داد و گفت: مدتی است که با همسرم اختلاف دارم و کارمان به دادگاه خانواده کشیده شده است. می‌خواستم مهریه‌ام را به اجرا بگذارم اما چون با راه‌های قانونی این کار آشنا نبودم دنبال یک وکیل می‌گشتم. روز گذشته که به مجتمع قضایی رفتم در آنجا مرد جوانی را دیدم که برگه‌هایی با نشان قوه قضائیه در

دست داشت. فکر کردم وکیل است.

او ادامه داد: به سراغش رفتم و مشخصم را برایش تعریف کردم. او شماره شعبه‌ای که در آنجا پرونده داشتم را پرسید و بعد هم به داخل شعبه رفت و پس از چند دقیقه برگشت. او گفت وکالت مرا به عهده می‌گیرد و برای این کار ۳۰۰ هزار تومان به‌عنوان حق الوکاله به او پرداخت کردم. قرار شد فردا به دفتر وکالتش در خیابان پاسداران بروم.

فتانه گفت: فردای آن روز با من تماس گرفت و محل قرار را تغییر داد. وکیل جوان به‌نام سروش، مرا به مهمانسرای دعوت و در آنجا با آبیموه از من پذیرایی کرد اما بعد

www.iran-newspaper.com

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ – ۸۸۷۶۱۶۲۱

ایران زندگی

متهم از سارقان سابقه دار است به سراغ آلبوم متهمان سابقه دار اداره آگاهی رفتند. فتانه با دیدن تصاویر متهمان، سروش را به‌عنوان وکیل قلابی شناسایی کرد. با شناسایی هویت متهم، مرد جوان بازداشت شد و در تحقیقات اولیه به جرم خود اعتراف کرد.

او گفت: دو سال به اتهام مالخری گوشی تلفن همراه به زندان افتادم. زمانی که در زندان بودم، همسرم با داشتن دو بچه از من جدا شد. دختر ۱۲ ساله‌ام با همسر سابقم و پسر ۱۶ ساله‌ام با خودم زندگی می‌کند. ۴ ماهی هم می‌شود به‌عنوان آشپز در یک اداره مشغول به‌کار هستم، اما از آنجایی که به‌خاطر جرمی که مرتکب شده بودم باید رد مال می‌دادم و نیاز به پول داشتم به فکر سرقت افتادم. با جعل چند برگه، خودم را وکیل معرفی کردم و طلاها و پول‌هایی که زن میانسال داشت را سرقت کرده کردم.

با اعتراف متهم جوان به دستور بازپرس ایرد موسی، سروش برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی قرار داده شد و بررسی‌ها در این خصوص ادامه دارد.

# قصاص و حبس برای سه زن و مرد جنایتکار



رفتند و جسد نادر را روز ۱۶ شهریور در داخل چاه ۱۰ متری کشف کردند و جسد به دستور بازپرس کشیک قتل به پزشکی قانونی منتقل شد. در ادامه فرید و سمانه نیز دستگیر شدند.

پس از محاکمه هر سه متهم در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز به ریاست قاضی قیومی و با حضور قاضی فیروزه‌ای رنجبر- مستشار دادگاه - با حکم قضات دو متهم مرد به اتهام مشارکت در قتل به قصاص نفس و زن جوان نیز به اتهام معاونت در قتل شوهرش به ۱۵ سال حبس محکوم شدند، علاوه براین زن و‌مرد جوان به اتهام رابطه نامشروع با یکدیگر به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شدند.



شدت پشیمانم. المیرا متهم ردیف دوم که به اتهام معاونت در قتل قصاص میز محاکمه ایستاده بود به دفاع از خود پرداخت.

■ **قاضی از زن پرسید: چگونه از وقوع قتل شوهر سابق خود مطلع شدی؟**

– صبح زود بود که سامان هراسان

**گروه حوادث/** حکم قصاص و زندان

برای سه زن و مرد جنایتکار که در اقدامی هولناک مردی را در یک باغ متروکه به قتل رسانده بودند از سوی قضات دادگاه کیفری استان البرز صادر شد.

به گزارش «ایران»، این حادثه در شهریور سال ۹۶ رخ داد. زن جوانی به‌نام اسمانه سراسیمه به کلاتر ۱۲ خواست تا با هم ملاقات کنیم وقتی موضوع را به سمانه گفتم او پیشنهاد داد نادر را به باغی که متعلق به یکی از دوستان سمانه بود بکشانم سپس با همدستی سرعهمهام فرید او را با چاقو کشتیم و جسدش را داخل چاهی در باغ متروکه انداختیم.

با اعتراف مسعود تیمی از مأموران آگاهی که به‌باغ مورد نظر محمدشهر کرج قرار ملاقات گذاشته بود، با این سرخن، مسعود ردیابی و بازداشت شد. او در بازجویی‌ها عنوان کرد: مدتی است که با سمانه همسر مقتول ارتباط دوستی برقرار کرده و به هم علاقه‌مند شده بودیم. سمانه در صحبت‌هایش بارها گفته بود که نادر او را آزار می‌دهد. پس از مدتی نادر متوجه ارتباط ما شد و از من خواست تا با هم ملاقات کنیم وقتی موضوع را به سمانه گفتم او پیشنهاد داد نادر را به باغی که متعلق به یکی از دوستان سمانه بود بکشانم سپس با همدستی سرعهمهام فرید او را با چاقو کشتیم و جسدش را داخل چاهی در باغ متروکه انداختیم.

## مجازات مرگ برای شوهر صیغه‌ای

از آنجا که سامان فراری بود ردیابی‌ها برای دستگیری وی آغاز شد و سرانجام این مرد ۳۲ساله پس از مدتی بازداشت شد و به قتل‌کی که مرتکب شده بود اعتراف کرد.

پس از صدور کیفرخواست متهمان پرونده به شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز رفت. در ابتدای جلسه دادگاه اولیای دم خواستار قصاص متهمان شدند سپس سامان - متهم ردیف اول- پای میز محاکمه ایستاد او در اظهاراتش درباره انگیزه قتل گفت: من با فرید دوست بودم پس از جدایی او از همسرش المیرا گرفتم او را به قتل برسانیم من اتهام قتل را قبول دارم اما الان به در آوردم اما از آنجا که المیرا از فرید



**گروه حوادث/** پسر جوانی که در جریان یک اختلاف خانوادگی خواهر و پدرش را به قتل رسانده بود با رضایت خانواده‌اش به ۸ سال زندان محکوم شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۱۶ فروردین ۹۴ با کشف جسد دختر ۳۰ساله‌ای به‌نام میترا و پدر ۷۳ ساله‌اش به‌نام قاسم در خانه‌شان در خیابان تحقیقات مطین تهران آغاز شد. مازنا پر ۲۶ ساله مقتول پس از حضور مأموران مدعی شد: شب گذشته چند ساعتی به خانه یکی از دوستانم رفته بودم و وقتی برگشتم با صحنه هولناکی مواجه شدم. خواهرم از میله لوستر حلق آویز شده بود و جنازه پدرم هم که خون زیادی از او رفته بود را در آشپزخانه دیدم. همان موقع با قیچی طناب دور گردن میترا را پاره کردم اما زنده نبود.

پس از اظهارات این پسر جوان مأموران تحقیقات‌شان را ادامه دادند و با بررسی‌های تخصصی ضربه‌های چاقو به این نتیجه رسیدند که میترا به خاطر جثه ضعیفش قادر به کشتن پدرش نبوده است. بنابراین فرضیه خودکشی پس از قتل رنگ باخت. پس از آن مأموران تحقیقات میدانی را از همسایه‌ها آغاز کردند و اظهارات آنها نشان می‌داد که شب جنایت مازنا را پدر و خواهرش دعوا کرده و سر و صدای زیاد از خانه شنیده شده است. با این سرخن مازنا به‌عنوان مظنون به قتل عمد خواهر و پدرش بازداشت شد و در همان ابتدا به جرم خود اعتراف کرد. متهم پس از اعتراف مدتی بعد در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در ابتدای این جلسه کیفرخواست خوانده شد و در ادامه عموی مازنا به‌عنوان یکی از اولیای دم برای برادرزاده‌اش درخواست قصاص کرد.

پس از آن مازنا در دفاع از خودش گفت: چند سال قبل مادرم را به خاطر بیماری سرطان از

**گروه حوادث/** مرد جنایتکار که پس

از ازدواج با همسر سابق دوستش نقشه قتل مرد جوان را اجرا کرده بود

پس از محاکمه در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز با حکم قضات به قصاص نفس و زن جوان به اتهام معاونت در قتل به ۱۵ سال حبس محکوم شدند. به گزارش «ایران»، حدود یک سال قبل جسد راننده جوانی در خودرویش واقع در یکی از خیابان‌های کرج توسط مأموران گشت کلاتری کشف شد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد که این مرد جوان در اثر خوردن قرص برنج جان باخته است. با شناسایی هویت جسد به نام فرید ۴۲

## دستگیری سارقی با کاپشن‌های رنگی

پس از این شکایت مشخصات سارقان به واحدهای گشت کلاتری مخابره شد تا اینکه یکی از واحدهای گشت کلاتری ۲ سارق موتورسوار را در نزدیکی چهارراه پارک وی مشاهده کردند که با دستور ایست مأموران آن دو اقدام به فرار کردند اما پس از ۱۰ دقیقه تعقیب و گریز پلیسی، سارقان با خودروی پرایدی برخورد کردند و متوقف شدند.

سرهنگ شاپور بهرامی، رئیس پلیس در حالی توسط مأموران کلاتری تجریش دستگیر شد که ۵ کاپشن به تن داشت.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»،

روز ۲۸ بهمن سال جاری زن جوانی در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از سرقت تلفن همراهش توسط ۲ جوان موتورسیکلت سوار خبر داد. بلافاصله

کلاتری ۱۰۱ تجریش گفت: یکی از سارقان

پس از تصادف فرار کرد اما راننده موتور در محاصره مأموران قرار گرفت و برای فرار با نشان دادن قمه به مأموران آنها را تهدید کرد که مأموران با استفاده از فنون دفاع شخصی او را دستگیر کردند.

در بررسی‌ها مشخص شد که ۳ روز مدعی شد: ما یک باند ۷ نفره هستیم که یکی از آنها مسئول فروش گوشی‌های سرقتی به مالخرها است و ۶ نفر دیگر هم در قالب ۳ تیم جداگانه سوار ۳

موتور در خیابان‌های شمال تهران پرسه می‌زنیم و پس از زاع زنی و شناسایی گوشی‌های گرانقیمت آیفون اقدام به زورگیری و گوشی قاچی می‌کنیم و هر گوشی سرقتی را هم به قیمت ۷ میلیون تومان می‌فروشیم.

متهم پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت و تحقیقات برای دستگیری سایر اعضای این باند ادامه دارد.